



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد بهکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

جمهوری پولی



جمهوری پولی

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی دکتر احسان ولدان
در رویداد ملی هجرت ۲؛ روایت فتح می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: جمهوری پولی

سخنران: دکتر احسان ولدان

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: نظام‌های اقتصادی، خلق پول، استثمار، جمهوری پولی، بخش خصوصی

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۱۲۱۴۵۶

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاما نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

- ۱..... مقدمه
- ۱..... دسته‌بندی نظام‌های اقتصادی
- ۲..... قدرت پول: کلید تصاحب ثروت‌های اقتصادی
- ۲..... تاریخچه تصاحب ثروت از طریق پول
- ۳..... اقتصاد استثماری: انگل مالی که ثروت را می‌بلعد
- ۴..... سازوکارهای مخرب اقتصاد استثماری در ایران
- ۴..... نظام مالی مغایر با جمهوریت
- ۵..... خصوصی‌سازی خلق پول: ریشه مشکلات اقتصادی ایران
- ۶..... سه دوره در تحولات نظام بانکی ایران
- ۷..... اقتصاد همگانی، گامی ضروری برای توزیع عادلانه ثروت
- ۷..... جمهوری پولی، گامی ضروری برای دسترسی همگانی به اعتبار و ثروت
- ۸..... جمهوری پولی، حذف واسطه‌ها و دسترسی مستقیم به اعتبار
- ۸..... نظم پولی همگانی
- ۹..... گام‌های رسیدن به جمهوری پولی
- ۱۰..... جمهوری پولی، اعطای اعتبار مستقیم و توزیع عادلانه ثروت



جمهوری پولی

باسمه تعالی

مقدمه

این نشست به بررسی تفاوت‌های بنیادین بین خلق پول خصوصی و دولتی پرداخته و در ادامه، ایده‌های نوینی برای جایگزینی نظم پولی فعلی ارائه خواهد کرد.

دسته‌بندی نظام‌های اقتصادی

دسته اول: نظام‌هایی که در جهت تصاحب تمام ثروت‌ها توسط عده‌ای محدود تلاش می‌کنند؛ این نوع نظام‌ها را می‌توان «نظام‌های اقتصادی استثمار»^۱ نامید. در این نظام‌ها، تلاش بر این است که تمام ثروت‌های اقتصادی، از جمله زمین و سایر دارایی‌ها، توسط گروهی کوچک یا افراد معدودی در جامعه تصاحب شود. نمونه‌ای از این نظام‌ها، «اقتصاد استخراجی»^۲ است.

دسته دوم: نظام‌هایی که به دنبال توزیع عادلانه‌تر ثروت‌های اقتصادی در بین همه افراد جامعه هستند. با کنار گذاشتن اصطلاحات تخصصی اقتصادی و فلسفی، می‌توان نظام‌های اقتصادی را به دو دسته کلی «نظام‌های توزیع عادلانه ثروت» و «نظام‌های تصاحب ثروت توسط عده‌ای خاص» تقسیم کرد. در ادامه به بررسی این دو نوع نظام اقتصادی و مقایسه خلق پول خصوصی و دولتی در چارچوب آنها پرداخته خواهد شد؛ به طور کلی، ثروت یا دارایی‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. **دارایی‌های فیزیکی و مادی:** که به آنها «اموال مادی»^۳ نیز گفته می‌شود. این دارایی‌ها شکل فیزیکی دارند، مانند زمین، ساختمان و هر نوع دارایی که قابل لمس و فیزیکی باشد.

(۱) Exploitation: استثمار در اصطلاح سیاسی، به تصاحب و بردن معادن، مخازن، محصولات و اموال ضعیف به دست قوی گفته می‌شود. استثمار می‌تواند در سطح فردی، حکومتی یا روابط بین‌الملل صورت گیرد.

2. Extractive economy

3. Material property



جمهوری پولی

۲. دارایی‌های غیرمادی: که مهم‌ترین آنها پول است. پول به عنوان نیروی محرکه جامعه، در دسته دارایی‌های «غیرمادی»^۱ قرار می‌گیرد.

قدرت پول: کلید تصاحب ثروت‌های اقتصادی

ویژگی منحصر به فرد پول این است که می‌تواند تمام دارایی‌های مادی را به طور همزمان تصاحب کند. دلیل این امر، قدرت انتقال دارایی آن است. با توجه به این دسته‌بندی از دارایی‌ها و نظام‌های اقتصادی، می‌توان گفت که هر کس کنترل خلق و مالکیت پول را در اختیار داشته باشد، در واقع می‌تواند کنترل تمام ثروت‌های اقتصادی جامعه را نیز به دست آورد. به همین دلیل، بحث نظم پولی و اینکه چه کسی قدرت خلق، مالکیت و مدیریت پول را بر عهده دارد، نقشی تعیین‌کننده در نظام اقتصادی حاکم بر جامعه ایفا می‌کند.

تاریخچه تصاحب ثروت از طریق پول

بنابراین نحوه عملکرد و کارکرد نظام اقتصادی به طور قابل توجهی به این موضوع بستگی دارد که پول چگونه خلق، کنترل و مدیریت می‌شود. اگر تاریخ اقتصاد جهان را بر اساس این دسته‌بندی بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که پس از به قدرت رسیدن طبقه بانکدار و کنار گذاشتن اشراف زمین‌دار، مهم‌ترین دارایی‌های مادی، یعنی زمین، از چنگ اشراف خارج شد و به مالکیت خصوصی بانکداران درآمد. سپس بانکداران به سراغ منابع طبیعی به عنوان دومین موهبت اقتصادی مهم رفتند و سعی در تصاحب آن داشتند. در مرحله بعد، نوبت به انحصارات طبیعی و تجاری تحت مالکیت دولت (عرصه عمومی) رسید. این دومین عرصه‌ای بود که طبقه نوظهور بانکی و مالی به تصاحب خود درآورد. راهبرد اصلی بانکداران برای تصاحب عرصه عمومی، «خصوصی‌سازی»^۲ بود. با استفاده از ایده‌ی خصوصی‌سازی و باورشناسی^۳ ضد دولتی، توجیه لازم برای تصاحب هر آنچه در اختیار دولت بود فراهم شد.

1. Dematerialise

۲) خصوصی‌سازی فرآیندی است که طی آن دولت امکان انتقال وظایف و دارائی‌های خود را به بخش خصوصی فراهم می‌کند.

3. Ideology



جمهوری پولی

عرصه سوم که بانک‌ها و مؤسسات مالی به دنبال تصاحب آن بودند، بخش صنعتی بود. نحوه تصاحب این بخش به این صورت بود که بانک‌ها با دادن وام‌های کلان به شرکت‌های صنعتی و سپس وادار کردن آنها به ورشکستگی و عدم پرداخت بدهی‌ها، مالکیت کارخانه‌ها و تأسیسات صنعتی را به دست می‌آوردند. بنابراین در اختیار داشتن قدرت خلق پول توسط طبقه بانکی، در طول تاریخ سرمایه‌داری^۱، امکان تصاحب سه عرصه مهم از ثروت‌های اقتصادی را فراهم کرد: «زمین، منابع طبیعی و منابع عمومی یا منابع در اختیار دولت و صنعت».

اقتصاد استثماری: انگل مالی که ثروت را می‌بلعد

بزرگترین و فوری‌ترین منابع ثروت، شامل زیرساخت‌ها، منابع طبیعی و انواع انحصارات، با استفاده از اهرم بدهی که در اختیار بانک‌های خصوصی است، به راحتی قابل تصاحب توسط عده‌ای معدود و تبدیل به ثروت شخصی آنها می‌شود. این اتفاق به عنوان «اقتصاد استثماری»^۲ شناخته می‌شود؛ عنوان دیگری که برای این فرایند یا رویکرد به کار می‌رود، «انگل‌وارگی مالی»^۳ است.

اگر به زیست‌شناسی نگاه کنیم، انگل موجودی است که به بدن موجود زنده یا میزبان متصل می‌شود و سعی می‌کند خود را به عنوان بخشی از بدن آن موجود نشان دهد. سیستم ایمنی میزبان، انگل را به عنوان موجودی مهاجم تشخیص نمی‌دهد و آن را جزئی از بدن خود می‌پندارد، به همین دلیل، هیچ اقدام دفاعی علیه آن انجام نمی‌دهد. در همین حال، انگل سعی می‌کند تمام مواد مغذی و حیاتی میزبان را به نفع خود جذب کند و از آن برای خود بهره‌برداری کند. دقیقاً کاری که قدرت خلق پول خصوصی با اقتصاد و نظام اقتصادی انجام می‌دهد، همان کاری است که انگل با موجود زنده و میزبان انجام می‌دهد. به همین دلیل، عنوان «انگل‌وارگی مالی» برای بانک‌های خصوصی یا مؤسساتی که امکان خلق پول خصوصی دارند، به کار می‌رود.

1. Capitalism

2. Exploitative economy

3. Financial parasitism



جمهوری پولی

سازوکارهای^۱ مخرب اقتصاد استثماری در ایران

هدف از بیان این مقدمه، شرح سه ساز و کار مخرب در اقتصاد فعلی ایران است که به مثابه انگل، جان اقتصاد را می‌مکند. این سه سازوکار عبارتند از:

۱. قدرت خلق، کنترل و مدیریت پول در دست بانک‌ها: این مهم‌ترین سازوکار است که به نفع عده‌ای محدود و به ضرر اکثریت جامعه عمل می‌کند.

۲. اوراق بدهی یا اوراق قرضه دولتی: این اوراق توسط دولت منتشر می‌شوند و بار دیگر ثروت را به نفع اقلیتی خاص هدایت می‌کنند.

۳. بازار سهام و بازار دارایی‌ها: این بازارها نیز هیچ ارتباطی با اقتصاد واقعی ندارند و صرفاً به مکانی برای سودجویی عده‌ای خاص تبدیل شده‌اند.

هر سه این مکانیزم، با اقتصاد واقعی بیگانه هستند و تنها به استثمار و استخراج ثروت از آن می‌پردازند که مهم‌ترین این مکانیزم‌ها، قدرت خلق پول در دست بانک‌های خصوصی است.

نظام مالی مغایر با جمهوریت

نظام مالی حاکم با امکان خلق پول توسط این بانک‌ها، به نفع عده‌ای خاص و به ضرر اکثریت مردم اداره می‌شود. درک ماهیت این نظام مالی و عملکرد آن در خلق پول، کلید حل بسیاری از مشکلات اقتصادی ایران، از جمله تورم، رشد پایین اقتصادی، بیکاری و سایر معضلاتی است که با آن روبرو هستیم.

انقلاب اسلامی در برابر «اقتصاد تصاحب» که در آن ثروت و منابع به نفع عده‌ای محدود در جامعه محصور^۲ می‌شود، قد علم کرد. در چنین نظامی، انتظار می‌رود که مردم قدرت خلق، کنترل و مدیریت پول را در اختیار داشته

1. Mechanism

2. Canalize



جمهوری پولی

باشند یا این قدرت به دولتی منتخب و پاسخگو به مردم واگذار شود. اما در بسیاری از کشورهای دنیا، این قدرت در دست بانک‌های خصوصی است؛ در نتیجه، این بانک‌ها تعیین می‌کنند که پول به کدام بخش از اقتصاد تزریق شود. این امر پیامدهای مخربی برای اقتصاد دارد، از جمله از بین بردن بهره‌مندی همگانی از پول به عنوان مهم‌ترین موهبت اقتصادی.

هر فردی در جامعه، چه برای مسکن، آموزش، بهداشت، درمان، کار و فعالیت تولیدی به پول نیاز دارد و باید به راحتی به آن دسترسی داشته باشد. تنها در صورتی می‌توان عنوان «جمهوری» را بر کشوری اطلاق کرد که دسترسی به پول به عنوان یک موهبت عمومی برای همه مردم فراهم باشد. در غیر این صورت، این عنوان فقط ادعایی توخالی خواهد بود. اگر به جمهوری اسلامی معتقدیم، حتی پیش از آنکه آن را با کلمه «اسلامی» توصیف کنیم، باید قائل به این باشیم که خلق، کنترل و مدیریت پول باید در دست مردم باشد و بهره‌مندی همگانی از پول اتفاق بیفتد. علاوه بر این، اگر قدرت خلق و کنترل پول در دست بخش خصوصی باشد و نه در دست مردم یا نماینده آن‌ها (دولت)، سرمایه‌گذاری‌های لازم در بخش‌هایی مثل آموزش، بهداشت و سایر زیرساخت‌هایی که برای پیشرفت و رفاه همگانی جامعه ضروری هستند، چون بخش خصوصی به طور ذاتی به دنبال حداکثر کردن سود خود است، انجام نخواهد شد.

خصوصی‌سازی خلق پول: ریشه مشکلات اقتصادی ایران

اگر قدرت خلق پول را به بخش خصوصی بدهید، آنها سعی می‌کنند آن را به سمتی سوق دهند که بیشترین سود را برایشان داشته باشد و لزوماً آن را صرف زیرساخت‌هایی مثل آموزش و بهداشت و امثالهم نخواهند کرد. بنابراین، اگر دولت قدرت خلق پول را از خود سلب کند و به بخش خصوصی منتقل کند، همواره با کمبود سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی مثل آموزش و بهداشت روبرو خواهد بود.

نکته بعدی این است که اگر دولت قدرتی را که به طور ذاتی خود داراست و می‌تواند از آن استفاده کند (یعنی



جمهوری پولی

خلق پول را به بانک‌ها و بخش خصوصی واگذار کند، در نهایت برای نیازهای خود مجبور به وام گرفتن و قرض کردن از بخش خصوصی خواهد شد؛ یعنی قدرت خود را به بخش دیگری منتقل کرده و در نهایت برای تامین هزینه‌های خود ناچار است که دائماً از بخش خصوصی و بانک‌ها وام بگیرد یا با انتشار اوراق قرضه، امکان تامین مالی فرایندهای مربوط به خود را فراهم کند. این امر دائماً بدهی ملی را افزایش می‌دهد و مشکل دیگری را برای دولت ایجاد می‌کند.

انجام سایر وظایف دولت، مثل تامین اجتماعی و سایر وظایف دیگر که لزوماً سودده نیستند، فقط از طریق قدرت خلق پول عمومی امکان‌پذیر است و بخش خصوصی و بانک‌های خصوصی به هیچ وجه به سراغ آن نمی‌روند. بنابراین، اگر نظم پولی را به گونه‌ای سامان دهیم که قدرت خلق، کنترل و مدیریت پول در دست بخش خصوصی قرار بگیرد، شاهد پیامدهای مخربی خواهیم بود که در نهایت منجر به وضعیتی در اقتصاد می‌شود که تورم، بیکاری، عدم رشد اقتصادی و امثالهم از نتایج آن خواهد بود.

اما اینکه ما چگونه از ابتدای انقلاب مسیری را طی کردیم که دچار پدیده‌ای به نام «خلق پول خصوصی» شدیم و اینکه در قانون اساسی ما هرگز در مهندسی قانون اساسی چیزی به نام خلق پول خصوصی وجود نداشت و چگونه از این موضوع عبور کردیم و به نظم پولی فعلی رسیدیم که در آن خلق پول خصوصی وجود دارد، بحثی جداگانه است.

سه دوره در تحولات نظام بانکی ایران

ما در نظام بانکی خود بعد از انقلاب، تقریباً سه دوره را پشت سر گذاشته‌ایم.

۱. دوره اول (۱۳۵۸ تا ۱۳۷۹): در این دوره، طبق قانون، تنها بانک‌های دولتی مجاز به فعالیت بودند.
۲. دوره دوم (۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷): در این دوره، به طور رسمی به بانک‌های خصوصی اجازه فعالیت و تأسیس داده شد؛ همچنین، در همین دوره، برخی از بانک‌های دولتی در فرآیند خصوصی‌سازی به بخش خصوصی واگذار شدند.
۳. دوره سوم (از ۱۳۸۸ به بعد): در این دوره، شاهد گسترش فعالیت بانک‌های خصوصی و غیردولتی بودیم. به



جمهوری پولی

طوری که سهام بسیاری از بانک‌های دولتی باقی مانده نیز واگذار و به بخش خصوصی منتقل شد.

اقتصاد همگانی، گامی ضروری برای توزیع عادلانه ثروت

اما نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است این است که اگر بخواهیم از «نظام اقتصادی تصاحب‌کننده» که در آن ثروت به نفع عده‌ای خاص متمرکز می‌شود، به سمت «نظام اقتصادی توزیع عادلانه ثروت» حرکت کنیم، مهم‌ترین گام، قرار دادن قدرت خلق و مدیریت پول در اختیار مردم و عموم شهروندان است که این نوع نظام اقتصادی «اقتصاد همگانی» نامیده می‌شود. تعبیری که از شهید بهشتی و موسسین جمهوری اسلامی گرفته شده و در واقع تفسیری از مهندسی و قانون اساسی است. «اقتصاد همگانی» اقتصادی است که در آن ثروت به طور عادلانه‌تر و مدنی‌تر توزیع می‌شود و فرصت‌های نامحدودی برای همه افراد جهت دستیابی به توان و قدرت تولیدی فراهم می‌شود. اقداماتی که اقتصاد را به شکل مدنی‌تر و عادلانه‌تر درمی‌آورند و سعی می‌کنند به جای تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص، آن را بین همه شهروندان توزیع کنند. تنها در این صورت است که عنوان «جمهوری» برازنده یک کشور خواهد بود و تنها راه برای تحقق این امر، ممانعت از «خلق پول خصوصی» و «همگانی کردن خلق پول» است. این موضوعی است که در ادامه به طور مفصل‌تر به آن خواهیم پرداخت.

جمهوری پولی، گامی ضروری برای دسترسی همگانی به اعتبار و ثروت

در نظام پولی فعلی که خلق پول توسط بانک‌های خصوصی انجام می‌شود، بسیاری از مردم به اعتبار دسترسی ندارند؛ برای مثال، اگر فردی با یک فعالیت تولیدی محدود (مثل کارگاه یا فضای تولیدی کوچک) به بانک مراجعه کند و درخواست وام برای گسترش فعالیت خود را بدهد، اولین سوالی که از او می‌شود این است که چقدر سپرده در بانک دارد. اگر سپرده کافی نداشته باشد، به راحتی از دریافت وام محروم می‌شود؛ در مقابل، اگر فرد ثروتمندی که سرمایه زیادی در بانک دارد به دنبال وام باشد، به راحتی به اعتبار و سرمایه مورد نیاز خود دست پیدا می‌کند. این فرآیند ذاتی نظام بانکی فعلی است که ثروتمندان را ثروتمندتر و فقرا را فقیرتر می‌کند و دسترسی آنها به اعتبار را از



جمهوری پولی

بین می‌برد؛ بنابراین، در چنین نظامی، تنها راه برای همگانی کردن اعتبار و پول، ملی کردن نظام پولی است. طراحی نوعی از «جمهوری پولی» که دسترسی همه مردم و آحاد شهروندان به پول را به راحتی فراهم کند، ضروری است. اقتصاد همگانی، اقتصادی است که در آن توزیع ثروت به صورت عادلانه انجام می‌شود و پول به عنوان قدرتمندترین دارایی، به طور مساوی در بین مردم توزیع می‌شود. ملی کردن بانک‌های خصوصی و نظام پولی موجود از طریق تصرف کامل بانک‌های خصوصی توسط دولت و جایگزینی نظام بانکی فعلی با نظامی که دولت پول را به طور مستقیم خرج می‌کند، امکان‌پذیر است. در نظام پولی جایگزین یا «جمهوری پولی» این سوال مطرح می‌شود که چرا بانک‌های خصوصی باید از بانک مرکزی یا دولت وام بگیرند و آن را به مردم قرض بدهند؟ چرا مردم به طور مستقیم از دولت وام بگیرند و از اعتبار دولتی بهره‌مند نشوند؟ چرا باید واسطه‌ای به نام بانک خصوصی وجود داشته باشد؟

جمهوری پولی، حذف واسطه‌ها و دسترسی مستقیم به اعتبار

ایده‌ای که توسط برخی از اقتصاددانان مطرح می‌شود، جمع کردن همه بانک‌ها در یک بانک دولتی است. در این ایده، دیگر هیچ واسطه‌ای بین دولت (به عنوان تنها موجودی که به طور عقلانی باید خلق، کنترل و مدیریت پول را بر عهده داشته باشد) و مردم (که نیازمند به اعتبار هستند) وجود نخواهد داشت. این اتفاقی است که در جمهوری پولی یا در یک نظام پولی همگانی رخ می‌دهد؛ البته، باید به این نکته توجه کرد که جزئیات فنی این فرآیند و نحوه رسیدن به ملی‌سازی نظام پولی و جمهوری پولی، موضوعی جداگانه است که نیاز به بحث و بررسی بیشتر دارد.

نظم پولی همگانی

در بسیاری از کشورهای دنیا، اندیشمندان اقتصادی به مباحث مربوط به «نظم پولی همگانی» پرداخته‌اند. این موضوع به معنای آن نیست که این ایده برای اولین بار در ایران مطرح می‌شود؛ برای مثال، کتاب «علم از دست رفته پول» اثر استفان زارلنگا^۱، اقتصاددان آمریکایی، به طور مفصل به این موضوع می‌پردازد. زارلنگا در سال ۲۰۰۳

(۱) Stephen A. Zarlenga: (۱۹۴۱ - ۲۵ آوریل ۲۰۱۷) محقق و نویسنده در زمینه تئوری پولی، معامله‌گر در بازارهای



جمهوری پولی

پیش‌نویس قانون پولی آمریکا را تدوین کرد که ایده اصلی آن، همگانی کردن نظم پول است؛ به این معنی که به جای اینکه دولت برای تامین مخارج خود از بانک‌های خصوصی وام بگیرد، خود اقدام به خلق پول کند. راه حل دیگری که توسط بنجامین فرانکلین^۱ در آمریکا مطرح شد، تبدیل بانک‌های ورشکسته وال استریت به موسسات دولتی بود تا دولت از شر بدهی‌ها و بدهی ملی خلاص شود. به گفته فرانکلین، «باید مشکل را از ریشه حل کرد». دولت می‌تواند با احیای حق خود برای خلق پول، این کار را انجام دهد. این طرح بانکی دوباره در آمریکا مطرح شده است. بنابراین، اگر ایده همگانی کردن توزیع پول و ملی‌سازی نظام پولی مطرح می‌شود، به این معنا نیست که این ایده فقط در ایران مطرح شده است؛ بلکه این طرح در بسیاری از نقاط جهان وجود دارد.

کام‌های رسیدن به جمهوری پولی

برای رسیدن به نظم پولی همگانی یا جمهوری پولی یا ملی‌سازی پول باید مراحل طی شود:

۱. از بین بردن مقاومت «اولیگارشی^۲ پولی» (بانک‌های خصوصی) در برابر ملی‌سازی:

- محدود کردن سودآوری بانک‌های خصوصی
- کاهش جذابیت بانکداری برای ذینفعان
- اطمینان از عدم ایجاد بدهی‌های زیاد توسط بانک‌ها
- کاهش قدرت بانک‌های خصوصی برای کنترل سطوح بدهی و قیمت دارایی

سهام و مالی و مدافع اصلاحات پولی.

(۱) Benjamin Franklin: (متولد ۱۷ ژانویه ۱۷۰۶ - درگذشته ۱۷ آوریل ۱۷۹۰) یکی از پدران بنیان‌گذار ایالات متحده آمریکا بود. فرانکلین یک نویسنده، چاپخانه‌دار، طنزنویس، نظریه‌پرداز سیاسی، سیاستمدار، فراماسون، رئیس پست، مخترع، فیزیکدان، فعال مدنی، رجل سیاسی و دیپلمات و اقتصاددان بود.

(۲) گروهک سالاری یا اُلِیگارشی (به فرانسوی oligarchie) یا حکومت گروه اندک، اصطلاحی است که اشاره‌های تحقیرآمیزی دارد؛ معنی آن این است که نه‌تنها حکومت در دست یک گروه کوچک است، بلکه این گروه حکمران کوچک، فاسد است و در برابر توده مردم مسئول نیست. یا از جهات دیگر مورد بیزاری همگان است.



جمهوری پولی

- ایجاد نظام رگولاتوری^۱ قوی بر بانک‌های خصوصی

- هدف‌گیری تورم و قیمت‌داری

- اعمال مالیات‌های سخت‌گیرانه برای ترازنامه‌های بانک‌ها

۲. ایجاد یک «بانک سرمایه‌گذاری ملی» در سراسر اقتصاد:

- ادغام تمام بانک‌های دیگر (اعم از خصوصی و دولتی) در این بانک ملی

- تبدیل بانک‌های دیگر به شعب منطقه‌ای بانک ملی

- سلب قدرت خلق پول مستقل از بانک‌های دیگر

- ارائه خدمات بانکی توسط شعب بانک ملی

این اقدامات «قدرت خلق، کنترل و مدیریت پول» را در اختیار مردم قرار می‌دهد و در واقع، توانایی کنترل ثروت و دارایی‌های موجود در اقتصاد را از دست عده‌ای محدود که در حال حاضر بر آن مسلط هستند، خارج می‌کند.

جمهوری پولی، اعطای اعتبار مستقیم و توزیع عادلانه ثروت

در جمهوری پولی و با وجود تنها بانک ملی، مهم‌ترین رکن، اعطای اعتبار مستقیم توسط دولت به شهروندان و متقاضیان واجد شرایط است. بخشی از این اعتبار باید به صورت همگانی و بر اساس نیازهای عمومی توزیع شود. بخش دیگر به فضای تولیدی و بازرگانی اختصاص می‌یابد و کمیته‌های کارشناسی بانک ملی تنها و دولتی، صلاحیت تخصیص اعتبار در این بخش را بر عهده دارند؛ برای مثال، اگر دولت اولویت را به اعطای اعتبار به کارگاه‌ها و فعالیت‌های تولیدی کوچک و متوسط اختصاص دهد، اعتبار در وهله اول به این بخش تعلق خواهد گرفت و در مقایسه با تخصیص اعتبار به ساخت برج‌های بلند، در اولویت قرار می‌گیرد.

در جمهوری پولی، دولت، خود سیاست پولی و نحوه توزیع اعتبار را تعیین می‌کند. بخش قابل توجهی از اعتبار

(۱) Regulator: در معنا و کاربرد یعنی تنظیم چیزی و یا رفتاری به قصد اصلاح و رسیدن به حد مطلوب است.



جمهوری پولی

به صورت همگانی و بین همه مردم توزیع می‌شود. این اتفاق، تورم قیمت دارایی را که در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ملی ماست، کنترل می‌کند.

چرا در حال حاضر شاهد تورم قیمت دارایی و حباب‌های متعدد در بازارهای دارایی مختلف به صورت دوره‌ای هستیم؟ علت آن «خلق پول خصوصی» است. خلق پول خصوصی به منزله بانی حباب‌سازی مالی است و باعث هجوم سرمایه‌های خصوصی به بازارهای دارایی مثل طلا، سکه، ارز و امثال این‌ها می‌شود و طبیعتاً با هجوم سرمایه‌های خصوصی به این بازارها، شاهد تورم قیمت دارایی خواهیم بود که این تورم قیمت دارایی از طریق کانال‌هایی به قیمت کالاهای مصرفی، تورم عمومی و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها سرایت می‌کند؛ بنابراین، مشاهده می‌کنیم که عمده اختلالات موجود در نظم اقتصادی کنونی، ریشه در «نظم پولی» و «وجود خلق پول خصوصی» دارد؛ خلق پولی که توزیع همگانی پول را به ارمغان نمی‌آورد.

الحمد لله رب العالمین



مقام معظم رهبری (عظمت):

«پول را در جامعه به شکل اسلامی مطرح کردن و داد و ستد کردن، مسأله‌ی بسیار مهمی است. اگر بتوانیم این حقیقت را به معنای جامع کلمه در جامعه به وجود بیاوریم، فتح عظیمی در دنیا خواهد بود...»

(بیانات در دیدار جمعی از آزادگان و مسئولان بنیاد مستضعفان و جانبازان؛ ۱۳۶۹/۰۶/۰۷)

قدرت خلق، کنترل و مدیریت پول توسط بخش خصوصی منجر به ایجاد تورم، بیکاری، عدم رشد اقتصادی در جامعه خواهد شد که برای جبران چنین پیامدهای ناگواری بایستی با ملی کردن بانک‌های خصوصی و تحقق جمهوری پولی، توزیع ثروت توسط نماینده مردم یعنی دولت به صورت عادلانه‌تری انجام شده و پول به عنوان قدرتمندترین دارایی در جامعه، به طور مساوی در بین مردم توزیع گردد.